

A comparative study of the semantic domain of miracles in the Qur'an and the Testaments

(Received: 01/08/2021 - Accepted: 14/04/2022)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.5.3>

Fatemeh Dastranj¹

Mohammad Dehghani²

Abstract

Semantic domain is a set of words with conceptual links that are characterized by a specific semantic specification. Analysis of these relationships and conceptual connections is one of the ways to achieve the minutes of meaning. "Miracle" is one of the common religious terms that is considered as one of the important topics of interfaith. In this study, the term miracle was examined in terms of intertextual relations with analytical and descriptive method, and it was concluded that the semantic domain of "miracle" in the Qur'an includes words such as: "verse", "statement", "argument" and "Sultan Mobin" and In the covenants: "Ayat", "strange" and "strong". The word "verse" is used in common sense in all the heavenly books to express the connection between sign and meaning, a sign that is sometimes in formative matters and sometimes in legislative matters as well as in sensations and rationalities. In fact, God has presented His creative and legislative verses to man with the aim of laying the groundwork for faith. An examination of the semantic scope of the "miracle" in the Torah and the Bible and the parameters obtained from the effect of its companions on keywords suggests that all creatures of God Almighty are "verses" and signs of Evin. And in this respect, there is no difference between the extraordinary works done by the prophets and the other creatures. In the Torah, unlike the Bible, "strength" is not a miracle but a factor. Also in the culture of Christianity, miracles continue and are not dedicated to Jesus (pbuh).

Keywords: semantic field, miracle, Quran, Torah, Bible.

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran, (Responsible author). f-dastranj@araku.ac.ir

2. PhD student in Quran and Hadith, Arak University, Arak, Iran.
dehghani.m100@gmail.com



بررسی تطبیقی حوزه معنایی معجزه در قرآن و عهدین

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.5.3>

فاطمه دسترنج^۱

محمد دهقانی^۲

چکیده

حوزه معنایی، مجموعه‌ای از واژه‌ها با پیوندهای مفهومی است که مشخصه معنایی خاصی، موجب باهم‌آیی آن‌ها می‌شود. تحلیل و بررسی این روابط و پیوندهای مفهومی، یکی از راه‌های دست‌یابی به دقایق معناست. معجزه یکی از اصطلاحات رایج دینی است که به‌عنوان یکی از مباحث مهم بین‌الادیانی مطرح شده است. در این پژوهش، اصطلاح معجزه برحسب روابط بینامتنی با روش تاریخی - تحلیلی بررسی گردید و این نتیجه حاصل آمد که حوزه معنایی معجزه در قرآن، شامل واژگانی چون: «آیه، بینه، برهان و سلطان مبین» و در عهدین: «آیت، عجیب و قوت» است و کلمه آیه با حوزه معنایی مشترک در تمامی کتب آسمانی برای بیان ارتباط نشانه با معنا به کار رفته، نشانه‌ای که گاهی در امور تکوینی و گاهی در امور تشریحی و نیز در محسوسات و معقولات است. در واقع خداوند، آیات تکوینی و تشریحی خود را بر انسان با هدف بسترسازی برای ایمان عرضه کرده است. بررسی حوزه معنایی معجزه در عهدین و پارامترهایی که از تأثیر هم‌نشینی‌های آن بر کلمات کلیدی به‌دست می‌آید، حاکی از آن است که تمامی مخلوقات خداوند متعال، آیات و نشانه‌های اویند و از این لحاظ، فرقی بین کارهای خارق‌العاده‌ای که توسط پیامبران انجام شده با دیگر مخلوقات نیست. در عهد قدیم برخلاف عهد جدید، قوت، معجزه نیست، بلکه عامل به‌وجود آمدن آن است. همچنین در فرهنگ مسیحیت، معجزات ادامه داشته و به حضرت عیسی (علیه السلام) اختصاص ندارند.

کلیدواژه‌ها: حوزه معنایی، معجزه، قرآن، عهد قدیم و عهد جدید

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران، (نویسنده مسؤول). f-dastranj@araku.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران. dehghani.m100@gmail.com



مقدمه

باتوجه به آن که معانی برخی واژگان در طول تاریخ تطوّر معنایی می‌یابند و یا تحت‌تأثیر دیدگاه‌های کلامی و غیرکلامی، دچار ابهام می‌شوند، رویکرد معناشناسی می‌تواند لایه‌های جدیدی از معنا را کشف کند. معناشناسی؛ دانشی است که به بررسی و مطالعه معانی در زبان‌های مختلف انسانی می‌پردازد. معناشناسی روش‌ها و مکاتب مختلفی دارد، در بین زبان‌شناسان متأخر، ایزوتسو مستشرق ژاپنی از روش معناشناسی برای روشن شدن معانی حقیقی و مورد نظر گوینده و مفاهیم آیات قرآن استفاده کرده است (ایزوتسو، ۱۳۹۴ ش، ۲۵). روش ایزوتسو به مکتب بُن معرف است. ایزوتسو معتقد بود که با تحلیل معناشناختی مفاهیم کلیدی قرآن، می‌توان هستی‌شناسی و جهان‌بینی ملموس قرآن را نه به زبان فلسفی، بلکه به زبان ساده استخراج کرد. هدف وی آن است که با تحقیق تحلیلی و روش‌شناختی در مفاهیم عمده، یعنی مفاهیم و تصوراتی که نقش قطعی در تشکیل نگرش قرآن به جهان دارند، وجودشناسی زنده و بالنده را استخراج کند.

یکی از روش‌های ایزوتسو، معناشناسی براساس حوزه‌های معنایی است و از آن‌جا که معناشناسی ساخت‌گرا برپایه نظریه حوزه‌های معنایی استوار است و حوزه معنایی مجموعه‌ای از واژه‌ها با پیوندهای مفهومی است که مشخصه معنایی خاصی، موجب باهم‌آیی آن‌ها می‌شود. لذا تحلیل و بررسی این روابط و پیوندهای مفهومی آن‌ها، ابزار روشی است که به واسطه آن، مفهوم نهفته در متن، بهتر فهمیده می‌شود.

با مطالعه تاریخ می‌بینیم که واژه معجزه در کتب مقدّس، استعمال نشده است. در اشعار اعراب جاهلی و قرآن کریم نیز این کلمات دیده نمی‌شوند؛ اما با مطالعه کتاب‌های حدیثی می‌بینیم که این کلمه در بسیاری از روایات معصومین وارد شده است. این روایات به‌گونه‌ای هستند که هم توسط پیامبر (ﷺ) و هم سایر ائمه (علیهم‌السلام) کلمه معجزه استعمال شده است. نگارندگان این مقاله در طرح پژوهشی تاریخ‌گذاری احادیث معجزه (دفاع شده در دانشگاه اراک در سال ۱۳۹۸)، مقاله تاریخ‌گذاری روایات معجزه براساس روش تحلیل متن و اسناد (چاپ شده در مجله علوم حدیث در سال ۱۳۹۹) و همچنین مقاله بررسی سندی احادیث حاوی کلمه معجزه با رویکرد تاریخی (پذیرش شده در مجله پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت در سال ۱۴۰۰) به این نتیجه رسیده‌اند که ورود برخی از این کلمات در روایات معصومین (علیهم‌السلام) توسط آن ذوات مقدس نبوده و علت اصلی آن؛ عارضه‌هایی است که گریبان‌گیر احادیث شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به جعل، تفرّد، نقل به معنا، ادراج و زیادت اشاره نمود. از طرفی با مطالعه کتاب‌های نوشته شده در تمامی زمینه‌های علوم اسلامی، دیده می‌شود که این

کلمه در هیچ یک از این کتاب‌ها تا قبل از قرن سوم وجود ندارد و لذا از قرن چهارم به بعد این کلمه در معنای مصطلح در کتاب‌های مختلف وارد شده است.

در قرآن کلمات «بیتة، برهان، سلطان و آیه» و در کتب عهدین کلمات «قوت، عجیب و آیه» به جای معجزه به کار رفته‌اند و اصطلاح معجزه در طول تاریخ جایگزین این کلمات شده است؛ بنابراین عدم استعمال این واژه در کتب آسمانی و نیز مباحث و مسائلی که در خوانش قرآنی این واژه در کلام اسلامی مطرح است، پژوهش و بررسی این واژه را ضروری می‌سازد؛ زیرا از مستندات مهم جاودانگی قرآن اثبات اعجاز آن است. لذا این پژوهش درصدد است با روش معناشناسی تاریخی و بر اساس مکتب بُن، ضمن تعیین هسته معنایی واژه معجزه به بررسی توصیفی و تبیین جایگاه معنایی اعجاز در نظام واژگانی قرآن و عهدین با تکیه بر روابط هم‌معنایی بپردازد و با ارائه مؤلفه‌های معنایی و مفاهیم مرتبط با این واژه، به این سؤالات پاسخ دهد که واژه معجزه در کاربرد وحیانی در ارتباط با کدام واژه‌ها استعمال شده و سطوح و لایه‌های مختلف معنایی این واژه در کتب مقدّس کدام است؟ در رابطه با پیشینه بحث لازم به ذکر است، اگرچه پژوهش‌های گوناگونی درخصوص معجزه صورت گرفته است، اما این پژوهش‌ها بیشتر پیرامون جنبه‌های اعجاز قرآن هستند؛ اما با مطالعه قرآن کریم و ترجمه کتاب‌های عهدین، اثری از این کلمه دیده نمی‌شود.

درخصوص معجزه و مباحث معناشناسی، به صورت مجزا مقالات بسیار زیادی نوشته شده است، اما مباحث مربوط به معناشناسی و روایات معجزه فقط توسط نگارندگان این مقاله کار شده است که تحت عناوین مختلف از جمله؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی حوزه معنایی معجزه در قرآن»، طرح پژوهشی «تاریخ‌گذاری احادیث معجزه»، مقاله‌های «تاریخ‌گذاری روایات معجزه براساس روش تحلیل متن و اسناد»، «بررسی نظریه اعجاز‌الخطی قرآن کریم»، «نقد و بررسی تعاریف مسلمانان از معجزه»، «معناشناسی سلطان در قرآن با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی»، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف در مورد واژه بیتة با رویکرد معناشناسی ایزوتسو»، «بررسی فقه‌الحدیثی احادیث حاوی کلمه معجزه»، «بررسی سندی احادیث حاوی کلمه معجزه با رویکرد تاریخی» و «معناشناسی آیه در قرآن در پرتو روابط هم‌نشینی و جانشینی» چاپ شده‌اند. از این روی فقدان اثری که به بررسی این حوزه معنایی در قرآن و عهدین به‌صورت تطبیقی پراخته باشد، احساس می‌شود و لذا ضرورت امر، نگارنده را برآن داشت تا به بررسی تطبیقی حوزه معنایی معجزه در قرآن و عهدین بپردازد.

۱- معجزه در بافت زبانی متون مقدّس

اصطلاح معجزه حاصل اندیشه اعجاز قرآن است و این اصطلاح در هیچ‌یک از آیات

قرآن به چشم نمی‌خورد، اگرچه مشتقات این کلمه ۱۹ بار در ۱۸ آیه در غیر معنای اصطلاحی به کار رفته است، حوزه معنایی معجزه در قرآن، شامل کلماتی چون: «آیه: آیات، بینه: بینات، برهان: برهانان و سلطان: سلطان مبین» است.

در عهدین با الفاظ مختلف، بارها به معجزات حضرت موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) اشاره شده است. حوزه معنایی معجزه در عهدین شامل کلمات گوناگونی است. این حوزه معنایی عبارت است از: «آیه: آیات، عجیب: عجایب و قوت: قوآت». علامه بلاغی نیز می‌نویسد: «کلمه معجزه در عهدین به کار نرفته و به جای آن کلمات (آیت، عجایب و قوت) استعمال شده است» (بلاغی، ۱۴۰۵: ۳۵۰). «در کتاب مقدس واژه‌های مستعمل در معنای معجزه «اتوت» به زبان عبری و «سیمیا»^۱ به زبان یونانی است و آیات و «خوارق رمزگونه» را به عبری «موفتیم» و به یونانی «تراته»^۲ می‌نامیدند (گروهی از نویسندگان فرانسوی، ۱۹۸۶: ۷۴۸). همچنین به «کار بزرگ» (مزمور: ۲۱: ۱۰۶). «قدرت مهیب» (خروج: ۳۴: ۱۰)، مخصوصاً به واژه‌ی «شگفتی‌ها» که در عبری «فیلی» و «نیفلا» (خروج: ۱۱: ۱۵) هستند، معجزه می‌گفتند. این لفظ اخیر به اعمالی اشاره دارد که از قدرت انسان خارج بوده و فقط خدا از عهده آن بر آمده است (مزمور: ۱۰: ۸۶). بدین‌وسیله خداوند بزرگی و جلال و جبروت خویش را نشان داده است (لاویان: ۳: ۱۰).

برخی دیگر از پژوهشگران نوشته‌اند: واژه معجزه در اسلام و «میراکل»^۳ در غرب، بر رویدادهای خارق‌العاده اطلاق می‌شود و در هر دو حوزه، واژه مورد استفاده، با واژه‌هایی که در متون مقدس به این رویدادها اطلاق شده متفاوت است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۵). به‌عنوان نمونه، در یکی از بندهای عهد جدید، زمانی که برخی از مردم از حضرت عیسی (علیه السلام) معجزاتی طلب می‌کنند و ایشان (علیه السلام) درخواست آن‌ها را اجابت نمی‌کند، به‌صورت ذیل ترجمه شده است:

«فرقه شریر و زناکار آیتی می‌طلبند و بدیشان جز آیت یونس نبی داده نخواهد شد» (متی: ۳۹: ۱۲).

در این متن، به‌جای کلمه معجزه از کلمه آیت استفاده شده است، به‌عنوان نمونه: «نسلی شرور و زناکار همچنان به دنبال علامت هستند، اما به غیر از علامت یونس به آن‌ها علامتی داده نمی‌شود»^۴

1. semia
2. terate
3. miracle

4. A wicked and adulterous generation keeps on seeking for a sign but no sign will be given it except the sign of Jonah.

در برخی منابع که به بررسی واژه‌های مشترک بین قرآن و کتاب مقدس پرداخته‌اند، واژه معجزه جزء واژگانی است که در کتب مقدس استفاده شده است (هاکس، ۱۳۹۴: ۵۹۸؛ دنیزماسون، ۱۳۸۹: ۱/۲۷۶ به نقل از قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۳۲). به همین دلیل برخی معتقدند که این واژه جزو ادبیات مسیحیت بوده و قرآن از آن استفاده نکرده است (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱/۸۵).

۲- حوزه معنایی معجزه در قرآن

بررسی مفهوم معجزه در ارتباط با سایر مفاهیم نزدیک به آن، تکمیل کننده تصویر ساختمان درونی آن است. برای دستیابی به این هدف، روش تحلیل مفهومی انتخاب شده تا عناصر معنایی این مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل این مفهوم با سایر مفاهیمی که به گونه‌ای با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد؛ از جمله مهم‌ترین روابط مفهومی در سطح واژگان، هم‌معنایی، روابط هم‌نشینی و جانشینی است که در تحلیل معنایی معجزه در قرآن کریم نیز کاربرد دارد؛ بنابراین برای دستیابی به مفهوم درونی واژه معجزه باید از روابط استفاده کرد و از سوی دیگر، به سبب ارتباط واژگان با یکدیگر و اهمیت بررسی آن در سطح جمله و متن، روابط هم‌نشینی، جانشینی و نیز سیاق واژه را نیز واکاوی نمود تا به مؤلفه‌های معنایی آن دست یافت. در ادامه به بررسی واژگان جانشین کلمه معجزه در قرآن پرداخته می‌شود و این سیر پژوهش در مورد کلمات جانشین معجزه در عهدین نیز دنبال می‌شود.

۲-۱- آیه

کلمه آیه، ۸۶ بار به صورت مفرد و یکبار به صورت تنه و ۲۹۵ بار به صورت جمع، در قرآن به کار رفته است. همه موارد کاربرد، به صورت اسم هستند و هیچ مشتق فعلی از آن در قرآن به کار نرفته است. در خصوص اصالت، ریشه لغوی و معنای واژه آیه نظرات گوناگونی، وجود دارد.

برخی معتقدند عرب‌ها این واژه را از یهودیان گرفته‌اند، اما بیشتر احتمال می‌رود که این واژه از طریق مسیحیان سریانی زبان، به آن‌ها رسیده باشد (جفری، ۱۳۷۲: ۱/۹۳). محمود رامیار، آن را عبری می‌داند (رامیار، ۱۳۶۹: ۱/۵۵۰).

خلیل بن احمد آن را ذیل ریشه (أ ی ی) آورده است (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۱/۴۴۱)؛ به نظر برخی دیگر این کلمه از ریشه (و أ ی) می‌باشد (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲۵۰). قول دیگری هم آن را از ماده (أ ی) می‌داند که ابن فارس به آن اشاره می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۶۸) اما برخی از متأخرین ماده (أ و ی) را ترجیح داده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۷۳).

برخلاف اختلافاتی که در مورد اصالت و اشتقاق این لفظ وجود دارد، اغلب اهل لغت معنی اصلی این کلمه را «علامت و نشانه» دانسته و بعضی هم مثل راغب، صفت «واضح و آشکار بودن» را به آن افزوده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۸). البته به ندرت دو معنی جماعت و عجیب را هم برای این ریشه ذکر کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۳۷۶: ۸/۸۵) اما در هیچ کدام به رابطه بین ریشه اشتقاق و معنی اشاره نشده است. نشانه بودن آیه را ایزوتسو نیز با روش معناشناسی خود اثبات کرده است و در آن جا به ترسیم شبکه معنایی آن می‌پردازد (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۶۸-۱۷۷).

آن چه در این جا اهمیت دارد این است که همیشه آیه فرع است و راهی برای رسیدن به یک چیز دیگر است به عبارت دیگر، آن چیز اصل و آیه فرع بر آن است. مهم ترین آیه‌ای که این حقیقت را بیان می‌دارد، آیه ۳۷ سوره فصلت است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ که در این جا نیز معنای باطنی را عبادت خداوند یکتا می‌داند.

موضوع و متعلق «آیه بودن»، از دیدگاه قرآن بسیار متنوع و گسترده است در نتیجه بررسی تمامی هم‌نشین‌های آیه نیز در یک مقاله نمی‌گنجد، اما در مجموع می‌توان گفت در نگاه قرآن، تمام ماسوی الله آیه و نشانه حضرت حق هستند تا با دیدن آن‌ها پی به ذات باری تعالی و اسماء و صفات و افعال او ببرند. اگر به جزئی از کتب آسمانی، آیه گفته می‌شود به این علت است که مضمون آن بیان آیات تکوینی و معارف و احکامی است که نشانه خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۱۶۲). با توجه به دو آیه ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...﴾ (فصلت/ ۵۳) و ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ...﴾ (ذاریات/ ۲۰-۲۱) می‌توان کل مخلوقات را در دو قسم آفاقی و انفسی جای داد (طبرسی، ۱۳۶۳: ۵/۱۹).

در این دسته‌بندی، خداوند متعال معجزات را نیز «آیه: آیات» می‌نامد. یعنی آن‌ها هم زیرمجموعه مخلوقات خداوندی هستند، از این روی نه در خلق و نه در هدف، با سایر مخلوقات فرقی نمی‌کنند. از طرفی با دقت در سه آیه ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (آل عمران/ ۱۹۱) و ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ﴾ (روم/ ۸) و ﴿تَتَفَكَّرُونَ فِي الذِّبْيَةِ وَالْآخِرَةِ﴾ (بقره/ ۲۱۹-۲۲۰)، چنین حاصل می‌شود که خداوند متعال در تمام این مخلوقات می‌خواهد که ما از طریق «تفکر» به او ایمان بیاوریم. «مشاهده خدا به قلب با مشاهده آیات او به دست می‌دهد، زیرا آیت بدان جهت که آیت است به جز صاحب آیت را حکایت نمی‌کند و از خودش هیچ حکایتی ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۵۱). پس می‌توان نتیجه گرفت که ذوالایه تمام مخلوقات، خداوند متعال است و مدلول

همگی آن‌ها ایمان به او از طریق تفکر می‌باشد.

با توجه به تعریف معجزه، یعنی «امر خارق‌عادتی که همراه با تحدی بوده و سالم از معارضه باشد» (سیوطی، ۱۳۹۲: ۲/۲۳۸) و مقایسه آن با تعریف آیه در قرآن کریم، می‌فهمیم که بین کلمات معجزه و آیه رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. یعنی هر معجزه‌ای، آیه است ولی آیاتی وجود دارند که معجزه نیستند.

۲-۲- برهان

کلمه برهان با مشتقات آن ۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است. «برخی قائلند که برهان از جمله واژگان فارسی معرب بوده و اصل آن در فارسی، بُرآن؛ به معنای قطع کننده می‌باشد. از این رو برهان عبارت است از آن چه که بدان مخاصمه قطع شده و حجت با آن پایان می‌پذیرد» (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲: ۴۹).

برخی آن را مصدر رباعی مجرد از «بَرَهْنٌ یَبْرَهُنُّ» گرفته (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۳)، برخی دیگر آن را بر وزن فُعْلان از ماده «البرهه» دانسته (ألوسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۲۸۵) و برخی دیگر معتقدند برهان مصدر ثلاثی مجرد از «بَرَهْ یَبْرَهُ» است (راغب اصفهانی، همان). اغلب لغویان برهان را به معنای «حجت و دلیل» گرفته‌اند، ولی به دلیل این که کلمات «برهان، حجت و استدلال» می‌توانند در یک حوزه معنایی قرار بگیرند، لازم است که تفاوت‌های آن‌ها نیز بیان شود. فرق بین برهان و «حجة» را باید از ماده اصلی آن دو پیدا کرد. «حج» در اصل به معنای قصد است و برهان در اصل به معنای روشنی و بیان می‌باشد. بنابراین، دلیل را به واسطه روشن بودن، برهان و به واسطه دلالت بر مقصود، «حجة» می‌گویند (قرشی، ۱۳۷۱: ۱/۱۹۰).

آیات قرآن کریم فقط سه معجزه را برهان معرفی می‌کند. این سه معجزه عبارت‌اند از: قرآن، معجزه عصا و ید بیضاء؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء/ ۱۷۴)؛ «فَدَانِكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ» (قصص/ ۳۲).

نام‌گذاری این سه معجزه به برهان به این علت است که دارای ویژگی‌های خاصی هستند یعنی از جانب پروردگار متعال (بدون درخواست شخص نبی، یا مردم) به شخص رسول، داده شده‌اند، در مقام احتجاج با مخاطبان، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، آن‌هم مخاطبانی که ادعای هم‌آوردی دارند، به گونه‌ای واضح از مشاهدات و گزاره‌های بدیهی یقینی هستند که به ادراک حسی درمی‌آید و افاده یقین می‌کنند.

۲-۳- بینه

واژه بینه مونث «بین» و صفت مشبیه از ریشه «بان، بین، بیاناً» و جمع آن «بینات» است. ماده «بین» به معنای انکشاف و وضوح بعد از ابهام است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/۳۶۶). بینه در اصطلاح به معنای دلیل شرعی، برهان واضح و حجت شرعی است. از

آن به اماره شرعی نیز تعبیر می‌کنند که حکایت از واقع می‌نماید (زمخشری، ۱۳۹۹: ۳۵). در معنای اصطلاحی واژه بیّنه، تفاوت‌هایی وجود دارد.

غالب فقها بیّنه را به معنای همان دو شاهد می‌دانند و می‌گویند در غیر این صورت نیاز به دلیل دارد (ابن ادریس حلی، ۱۳۹۰: ۱/۳۸۲). در این بین برخی همچون خوبی (ره) و لنکرانی (ره) نظر متفاوتی دارند. آن‌ها معتقدند که واژه بیّنه در زبان شرع و متشرعه به معنایی که فقهای امروز به کار می‌برند، به کار نرفته است. یعنی حقیقت، شرعی و متشرعه ندارد (خوبی، ۱۳۶۴: ۲/۶۶ و لنکرانی، ۱۳۹۲: ۱/۴۶۵). شهید صدر می‌نویسد: «بیّنه در روایات به معنای شاهد نیست» (صدر، ۱۴۲۰: ۹/۹).

کلمه بیّنه ۱۹ بار به صورت مفرد و ۵۲ بار به صورت جمع و در بیشتر از ۱۵ مورد در قرآن کریم ذکر شده است و آن به معنای واضح و ظاهر است که افاده علم و یقین نماید (مرعشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۶۰). این لغت در قرآن به همان معنای لغوی آن یعنی روشن، آشکار، دلیل، مدرک و گواه آمده و بیشتر در گزارش معجزات پیامبران به کار رفته است (طبرسی، ۱۳۶۳: ۳/۴-۱).

لذا بیّنه در حوزه معنایی معجزه در قرآن، ارائه دلیلی معتبر است برای اثبات حقیقتی که شخص پیامبر در برابر منکران آن حقیقت مدعی آن است، با فرض این که آن حقیقت برای مخاطبان مجهول و شبهه‌ناک بوده و بعد از ارائه بیّنه، به گونه‌ای افاده علم و یقین نماید که حجت را بر مخاطبان تمام کند. برای نمونه، در آیه ۳۴ سوره غافر ﴿وَلَقَدْ جَاءَ كُرَيْسُ مِنْ قَبْلِ الْبَيْتَاتِ﴾، یوسف ﴿يُوسُفَ﴾ را نیز با کلمه بینات هم‌نشین می‌کند، ولی آن چیزهای خارق‌عادتی که امروزه از معجزه در اذهان عمومی وجود دارد، با کارهایی که حضرت یوسف ﴿يُوسُفَ﴾ انجام داده کاملاً متفاوت است. ایشان تعبیر خواب، علم نبوت، بصیرت و... داشته که قرآن این‌ها را بیّنه نامیده است. ولی امروزه ما آن‌ها را معجزه نمی‌نامیم. در نتیجه می‌توان بیان کرد «بینات» اعم از «معجزات» می‌باشند و به معنای واضح کردن یک امر مجهول هستند برای کسانی که فهم آن امر برایشان مبهم است. زمانی که بیّنه آورده می‌شود، دیگر جایی برای ابهام باقی نمی‌گذارد.

۲-۴- سلطان

کلمه سلطان با مشتقات آن ۳۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است. در خصوص اصالت، ریشه لغوی و معنای واژه سلطان نیز همانند آیه و برهان نظرات گوناگونی وجود دارد. آرتور جفری معتقد است لغویان مسلمان درباره واژه قرآنی سلطان که می‌خواستند آن را مشتق از «سلیط» بدانند، سرگردان بودند. اشپرنگر به‌درستی آن را واژه‌ای بیگانه دانسته که از زبان آرامی قرض گرفته شده است (جفری، ۱۳۷۲: ۲۶۱). این درحالی است که اکثر مسلمانان، این کلمه را اصالتاً عربی می‌دانند. برخی آن را از ریشه

سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

«س، ل، ط» به معنای قوه و قهر می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/ ۹۵). برخی دیگر، آن را مشتق از «سَلْطَن» به معنای قوت گرفته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۵). برخی سلطان را مشتق از «سَلِیْط» به معنای «هر چیزی که نور می‌دهد» گرفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷/ ۳۲۰-۳۲۱). در نهایت برخی از واژه‌شناسان برای واژه سلطان، مصداق «حجّت» را اصیل‌تر از مفهوم «سلطه و غلبه و قهر» دانسته‌اند؛ بنابراین مدعی شده‌اند به فرد زمامدار نیز از آن رو سلطان گفته می‌شود که وی «حجّت خدا در روی زمین است» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۰/ ۲۹۲).

در آیات ۹ الی ۱۱ سوره ابراهیم آمده است که پیامبران با «بینات» به سوی قومشان رفتند؛ ولی آن‌ها ایمان نیاوردند و گفتند که مگر «سلطان مبینی» برای ما بیاورید که در نهایت پیامبران می‌گویند ما نمی‌توانیم بدون اجازه خداوند «سلطانی» ارائه دهیم. اگر قرار باشد که همه آیات، «بینات»، برهان و سلطان را معجزه بنامیم، دیگر وجهی برای این سه آیه باقی نمی‌ماند. زیرا بینه عام‌تر از «معجزات خارق‌العاده» است. هدف از سلطان نیز همانند «بینات» و... نیست. لذا در سلطان مخاطبان، دیگر به دنبال ایمان آوردن از طریق «نشانه: آیه»، «دلایل روشن و معتبر: بینه» و «احتجاج: برهان» نیستند. در این‌جا، مخاطبان معجزه‌ای می‌خواهند که از روی قهر بر آن‌ها غلبه کرده به گونه‌ای که اگر خودشان هم نخواهند دیگر نتوانند که ایمان نیاورند. ولی از آن‌جایی که هدف خداوند، ایمان آوردن بندگان از روی عجز نیست، هیچ‌گاه معجزه‌ای از نوع سلطان رخ نداده است.

در طول تاریخ، فقط در یک مورد معجزه‌ای به نام سلطان مبین رخ داده است، آن‌هم مربوط به ماجرای غرق شدن فرعونیان توسط حضرت موسی (علیه السلام) در رود نیل است: ﴿وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (ذاریات/ ۳۸). البته سلطان مبین زمانی رخ می‌دهد که آیات، «براهین» و «بینات» گوناگونی رخ داده باشد و پس از آن مردم ایمان نیاورند. از این روی قرآن کریم بقیه عذاب‌هایی را که نازل کرده است با لفظ آیه خطاب می‌کند نه سلطان مبین. حتی طوفان نوح (علیه السلام) که بسیار بزرگ‌تر از شکافته شدن رود نیل است آیه است. قرآن کریم، یکبار دیگر سلطان مبین را در اختیار حضرت موسی (علیه السلام) قرار می‌دهد که ایشان قبل از اجرای آن منصرف می‌شود. زمانی که ایشان به کوه طور می‌روند، پس از برگشت می‌بیند که بنی‌اسرائیل پس از دیدن آن‌همه آیات، «براهین»، «بینات» و سلطان مبین دوباره مشرک شده‌اند، دستور می‌دهد که یکدیگر را از بین ببرند، لذا قبل از شروع نزاع از این تصمیم منصرف می‌شود. ﴿سَأَلْتُ أَهْلَ الْكِتَابِ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْهِمُ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَأَيْتَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ الصَّاعِقَةِ بَطْلِمِهِمْ ثُمَّ أَخَذُوا مِنَ الْجَلِّ مِنَ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا﴾ (نساء/ ۱۵۳).

۳. حوزه معنایی معجزه در عهد عتیق

یکی از ثمرات بررسی حوزه‌های معنایی، استنباط معانی براساس الفاظ تأثیر گذار موجود در آن حوزه معنایی است، در ادامه به بررسی حوزه معنایی معجزه در عهدین پرداخته می‌شود:

۳-۱- آیت

اکثر موارد استعمال آیه در عهد قدیم، معجزه‌های خلقی و ایجاد است که قابل مشاهده بوده و توسط حضرت موسی (علیه السلام) انجام گرفته‌اند، همانند: «و تا آن چه در مصر کردم و آیات خود را که در میان ایشان ظاهر ساختم، به گوش پسرت و پسر پسرت بازگویی تا بدانید که من یهوه هستم» (خروج: ۲: ۱۰). همچنین به معنای یک سری کارهای خارق عادت نیز به کار رفته که توسط غیر انبیاء انجام می‌شود. همانند: «آن که آیات کاذبان را باطل می‌سازد و جادوگران را احمق می‌گرداند و حکیمان را به عقب بر می‌گرداند و علم ایشان را به جهالت تبدیل می‌کند» (اشعیا: ۲۵: ۴۴). در برخی از کاربردها نیز واژه آیات به معنای تمامی مخلوقات خداوند است. همانند: «و خدا گفت: نیرها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند و برای آیات و زمان‌ها و روزها و سال‌ها باشند» (پیدایش: ۱۴: ۱).

از بررسی هم‌نشین‌های این واژه در عهد قدیم می‌فهمیم که در همه موارد، خود آیه هدف نیست، بلکه ذوالآیه هدف است. هدف از آوردن این نشانه‌ها در آن جایی که توسط نبی انجام گرفته برای این است که خدا را بشناسند و به او ایمان بیاورند. در سه بند از عهد قدیم، دقیقاً لفظ بنی‌اسرائیل هم‌نشین آیه شده و در بندهای دیگر لفظ شما و ایشان آمده که منظور از آن بنی‌اسرائیل می‌باشد و در بندهای دیگر نیز همین مفهوم استفاده می‌شود. در سه بند دیگر نیز برای سرزمین‌های مصر و کوش و بابل آورده شده‌اند و هیچ صحبتی از همه انسان‌ها نیست. ولی در آیات، با الفاظی همچون تمامی زمین (تثنیه: ۳: ۱۱) جمیع بندگان (نحیما: ۱۰: ۹) آمده است که می‌توان نتیجه گرفت، منظور از آیه معجزه‌هایی از حضرت موسی (علیه السلام) می‌باشد که فقط برای بنی‌اسرائیل آمده است و منظور از آیات؛ معجزه‌هایی است که بخشی از آن‌ها برای بنی‌اسرائیل و برخی دیگر برای جمیع بندگان است. همچنین منظور از آیات فقط اعمال خارق‌العاده‌ای نیست که توسط پیامبر برای اثبات ادعای نبوتش باشد؛ بلکه در برخی موارد، منظور از آن ارائه الگویی برای انجام اعمال صالح و بندگی خداست (اشعیا: ۱۸: ۸). آیه و آیات فقط توسط پیغمبران صورت نگرفته، بلکه گاهی غیر پیغمبران نیز آیاتی را ظاهر می‌کردند.

۳-۲- قوت

واژه قوت ۲۶۲ بار در عهد قدیم به کار رفته است. در این بین در ۱۰ بند از عهد قدیم منظور از آن، عاملی از طرف خداوند است که موجب کارهای خارق العاده جهت تأیید پیغمبرانش می‌شود. همانند: «و موسی به قوم گفت: این روز را که از مصر از خانه غلامی بیرون آمدید، یاد دارید، زیرا خداوند شما را به قوت دست از آنجا بیرون آورد، پس نان خمیر، خورده نشود» (خروج: ۳: ۱۳) و همچنین بندهای: (خروج: ۱۴: ۱۳)، (خروج: ۱۶: ۱۳)، (خروج: ۱۱: ۳۲)، (سفر تثبیه: ۳۷: ۴)، (سفر تثبیه: ۲۹: ۹)، (داوران: ۱۴: ۶)، (دوم پادشاهان: ۳۶: ۱۷)، (مزامیر: ۴: ۷۸) و (مزامیر: ۴۲: ۷۸).

در ۸ مورد این مضمون را رسانیده که خداوند با قدرت خود شما را از مصر بیرون آورده و منظور، آن کارهای خارق العاده‌ای بوده که موجب رهایی بنی اسرائیل از دست فرعونیان شده است. پر واضح است که آن موارد، همان اموری است که امروزه آن را معجزه می‌نامند. ولی می‌بینیم که آن موارد را قوت نامیده، بلکه «عامل» آن را قوت خداوند بیان می‌کند.

در بندهای (اشعیا: ۳۰: ۲-۳) آمده: «که برای فرود شدن به مصر عزیمت می‌کنند، اما از دهان من سوال نمی‌نمایند و به قوت فرعون پناه می‌گیرند و به سایه مصر اعتماد دارند.» از این بندها نیز می‌توان نتیجه گرفت که فرعون نیز دارای قوت است، ولی این قوت خداست که چیره می‌شود و پایان کار اعتماد به قوت فرعون، خجالت و رسوایی است و اعتماد به قوت خداوند، رهایی از ظلم و ستم و پیروزی است.

در چند مورد از این بندها جمله «به خاطر داشتن و به یاد داشتن» را ذکر کرده، لذا منظور این است که نباید کارهایی را که خداوند جهت نجات بندگانش و تأیید پیغمبران انجام داده را از یاد برد و در دیگر بندها نیز با مضامینی همچون «این کارها را برای فرزندانمان پنهان نخواهیم کرد، برای آیندگان بازگو خواهیم کرد، برای کارهایی که خداوند برایتان انجام داده سجده کنید» که همه این‌ها مستلزم به یاد داشتن و فراموش نکردن آن کارها بوده است و همچنین بازگو نمودن این مطالب، آثاری هم چون دیدن آن را باید به دنبال داشته باشد.

۳-۳- عجیب

واژه عجیب ۶۴ بار در عهد قدیم به کار رفته است. غالب معانی که برای آن به کار رفته عبارتند از: امری شگفت که انسان سبب آن را نشناخته و به تعجب واداشته شود، نظیر «تا چوب فراوان برای من مهیا سازند؛ زیرا خانه‌ای که من بنا می‌کنم عظیم و عجیب خواهد بود.» (دوم تواریخ: ۹: ۲). در برخی از بندها به معنای یک سری کارهای خارق العاده است که توسط فرشتگان الهی انجام می‌شود. بنگرید به: «پس مانوح

گوساله و هدیه آردی را گرفته، بر آن سنگ برای خداوند گذرانید و فرشته کاری عجیب کرد و مانوح و زنش می‌دیدند» (داوران: ۱۹: ۱۳). در بندهایی دیگر به معنای تمامی اعمال شگفت‌آوری است که از خداوند در همه مخلوقات رخ می‌دهد «او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمامی کارهای عجیب او تفکر نمایید» (اول تواریخ ایام: ۹: ۱۶). در نهایت به معنای معجزه‌های خلقی و ایجادی است که توسط حضرت موسی (علیه السلام) برای بنی اسرائیل به صورت مقطعی و با خرق عادت انجام شده است. همانند: «گفت: اینک عهدی می‌بندم و در نظر تمامی قوم تو کارهای عجیب می‌کنم که در تمامی جهان و در جمیع امت‌ها کرده نشده باشد» (خروج: ۱۰: ۳۴).

واژه عجایب نیز ۱۱ بار در عهد قدیم به کار رفته است. غالب معانی که برای آن به کار رفته عبارتند از: معجزه‌های خلقی و ایجادی و با خرق عادت که توسط حضرت موسی (علیه السلام) انجام می‌شود. همانند: «پس دست خود را دراز خواهم کرد و مصر را به همه عجایب خود که در میانش به ظهور می‌آورم خواهم زد و بعد از آن شما را رها خواهد کرد» (خروج: ۲۰: ۳) و همچنین به معنای یکسری کارهای خارق عادت که توسط غیر انبیاء انجام می‌شود همانند: «من مصلحت دانستم که آیات و عجایی را که خدای تعالی به من بیان نموده است بیان نمایم» (دانیال: ۲: ۴). در برخی دیگر از بندها به معنای تمامی مخلوقات پروردگار عظیم است. همانند: «که اعمال عظیم و بی‌قیاس می‌کند و عجایب بی‌شمار» (ایوب: ۹: ۵).

در برخی فرازها تمامی مخلوقات را عجیب می‌نامد و در فرازی دیگر شکافته شدن دریا بر روی بنی اسرائیل و آزادی آن‌ها در برابر فرعونیان را نیز عجایب نامیده است. مطلب بسیار مهمی که در این جا نهفته این است که فرقی بین این دو امر، برای خداوند متعال وجود ندارد و هدف هر دو آن‌ها ایمان آوردن به خداوند است. مطلب دیگری که قابل ذکر است، این است که این عجایب توسط غیر پیامبران و مخالفان آن‌ها نیز به وجود آمده است. نکته دیگر که به عنوان یک پارامتر می‌توان به آن استناد کرد، این است که ویژگی مشترک تمامی این امور، خارق العاده و عجیب بودن آن‌هاست. یعنی از جمله مواردی هستند که تعجب مردم را وا می‌دارند.

از بررسی حوزه معنایی معجزه در عهد قدیم و پارامترهایی که از تأثیر هم‌نشینی‌های آن بر کلمات کلیدی به دست می‌آید، می‌توان نتیجه گرفت: تمامی مخلوقات خداوند متعال، آیات و نشانه‌های او هستند که با تفکر در آن‌ها می‌بایست به او ایمان بیاوریم. در این بین هیچ فرقی بین کارهای خارق العاده‌ای که توسط پیامبران انجام شده با دیگر مخلوقات نیست. ویژگی مشترک همه مخلوقات خداوند، عجیب بودن آن‌هاست، یعنی کارهایی که انسان نحوه به وجود آمدن آن را نمی‌داند. همان طوری که ما نمی‌دانیم

که انسان چگونه از خاک به وجود می آید، از طریق به وجود آمدن مار توسط عصا نیز بی خبریم. در عهد قدیم، فاعل تمامی این کارها را خدا می داند و هدف از آن را ایمان به خداوند معرفی می کند و هیچ خبری از اثبات صدق ادعای رسالت حضرت موسی (علیه السلام) نیست، زیرا ایشان بیشترین معجزه را در طول تاریخ انجام داده است و بسیاری از آن‌ها نیز برای بنی اسرائیلی بودند که همگی به پیامبری او اعتقاد داشتند و اثبات صدق ادعای رسالت، بعد از سال‌های متمادی که از رسالت ایشان (علیه السلام) گذشته است دلیلی بدون مدعاست. در ضمن در ماجرای حضرت موسی (علیه السلام) ما شاهد این مطلب هستیم که ساحران نیز چوب دستی‌های خود را به مار تبدیل می کنند. در بندهای مختلف، بروز آیت، آیات، عجیب و عجایب را به غیر از خدا نیز نسبت می دهد و هدف از آن‌ها را امتحان خلق معرفی می کند.

۴- حوزه معنایی معجزه در عهد جدید

در این بخش حوزه معنایی معجزه در عهد جدید بررسی می شود.

۴-۱- آیت

واژه آیت ۱۱ بار در عهد جدید به کار رفته است که در ۱۰ مورد مخاطبان، از حضرت عیسی (علیه السلام) درخواست نموده اند معجزه‌های آسمانی برای آن‌ها بیاورد. همانند: «آن‌گاه فریسیان و صدوقیان نزد او آمده، از روی امتحان از وی خواستند که آیتی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد» (متی: ۱: ۱۶).

واژه آیات نیز ۱۷ بار در عهد جدید به کار رفته است. غالب معانی که برای آن استعمال شده، معجزه‌های خلقی و ایجاد و یا خرق عادت است که توسط حضرت عیسی (علیه السلام) انجام می گرفته است. همانند: «به دراز کردن دست خود، به جهت شفا دادن و جاری کردن آیات به نام بنده قدوس خود عیسی» (رسولان: ۳۰: ۴)، به معنای معجزه‌های خلقی و ایجاد همراه با خرق عادت که توسط غیر پیامبران (منحرفان) به وجود می آیند. همانند: «از آن‌رو که مسیحیان دروغ و انبیای کذب ظاهر شده، آیات و عجایب از ایشان صادر خواهد شد» (مرقس: ۲۲: ۱۳) و «که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ» (دوم تسالونیکیان: ۹: ۲). همچنین به معنای معجزه‌های خلقی و ایجاد همراه با خرق عادت که توسط حواریون (رسولان) برای ایمان آوردن مردم به عهد جدید آورده می شد. همانند: «و این آیات همراه ایمان داران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند» (مرقس: ۱۷: ۱۶).

آیه را فقط حضرت عیسی (علیه السلام) انجام داده است، ولی آیات را علاوه بر او، (رسولان)

حواریون و منحرفان نیز انجام می دادند. حضرت عیسی (علیه السلام) به درخواست آوردن آیه، همواره جواب منفی داده است. ولی در آیات می بینیم که پدری برای شفای پسر مریضش درخواست کرد و حضرت عیسی (علیه السلام) می گوید: «اگر آیات و علامات نبینید همانا ایمان نیاورید» (یوحنا: ۴۸: ۴) و بچه او را شفا داده است.

مخاطبان از حضرت عیسی (علیه السلام) می خواستند که آیتی آسمانی برایشان بیاورد، از این مطلب می فهمیم همه معجزه های حضرت عیسی (علیه السلام) زمینی بوده اند، همچون زنده کردن مردگان و شفای بیماران و... ولی آن ها باتوجه به اطلاعاتی که قبلاً از معجزه های پیغمبران بنی اسرائیل داشته اند که در برخی موارد از آسمان برای آن ها آیه نازل شده (همانند ارزاق الهی همچون مرغ بریان و...)، از ایشان (علیه السلام) همانند آن را خواستار بودند.

۴-۲- قوت

واژه قوت ۱۰۳ بار در عهد جدید به کار رفته است. غالب معانی که برای آن استعمال شده است بدین شرح می باشد: در ۱۱ مورد از آن ها، منظور از قوت؛ کارهای خارق العاده ای است که حضرت عیسی (علیه السلام) انجام داده است. همانند: «فی الفور عیسی از خود دانست که قوتی از او صادر گشته» (مرقس: ۳۰: ۵). در ۷ مورد دیگر کارهای خارق العاده ای حواریون که شامل شفای مریضان و پامال کردن قدرت دشمنان و اقامه کردن حجّت بر یهودیان است همانند: «پس دوازده شاگرد خود را طلبیده، به ایشان قوت و قدرت بر جمیع دیوها و شفا دادن امراض عطا فرمود» (لوقا: ۱: ۹).

در سه مورد، کارهای خارق العاده را به غیر مؤمنان و حتی دشمنان خدا نیز نسبت می دهد، از جمله در (رسولان: ۸: ۹-۱۰) آمده که: «اما مردی شمعون نام، قبل از آن در آن قریه بود که جادوگری می نمود و اهل سامره را متحیر می ساخت و خود را شخصی بزرگ می نمود، به حدی که خرد و بزرگ گوش داده و می گفتند این است قدرت عظیم خدا که در بندهای بعدی می گوید او ایمان می آورد؛ یعنی او در زمان کفرش مریضان را شفا داده است. پس می توان نتیجه گرفت که در فرهنگ عهد جدید کارهای خارق العاده فقط متعلق به حضرت عیسی (علیه السلام) نبوده است.

در فرهنگ مسیحیت، معجزات هنوز ادامه دارند و مخصوص حضرت عیسی (علیه السلام) نیستند. از این روی معتقدند که حتی امروزه کشیشان نیز می توانند معجزه کنند. لذا از بندهای عهد جدید بر می آید که کارهای خارق العاده ای آن ها نشانه ای برای آیندگان نیستند و هیچ اثری از نشانه بودن آن به میان نیاورده است، بلکه خود کارهای خارق العاده هنوز ادامه دارند. این کارهای خارق العاده فقط مخصوص مومنان نیستند، بلکه دشمنان خدا نیز می توانند از این کارها انجام دهند. در عهد قدیم خود قوت معجزه

نیست، بلکه عامل به وجود آمدن آن است، ولی در عهد جدید خود قوت معجزه است، ولی در نهایت عامل به وجود آمدن آن خدا و مسیح (ﷺ) است.

۴-۳- عجیب

واژهٔ عجیب ۶ بار در عهد جدید به کار رفته است. غالب معانی آن، در دو حوزه به کار رفته است. به معنای معجزه‌های خلقی و ایجادی و با خرق عادت توسط حضرت عیسی (ﷺ). همانند: «و حیرت همه را فرو گرفت و خدا را تمجید می نمودند و خوف بر ایشان مستولی شده، گفتند: «امروز چیزهای عجیب دیدیم» (لوقا: ۲۶: ۵). به معنای تمامی اعمال که از خداوند سر می زند و شگفت آور هستند در مورد همه مخلوقات الهی همانند: «عیسی بدیشان گفت: «مگر در کتب هرگز نخوانده‌اید این که سنگی را که معمارانش رد نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است» (متی: ۴۲: ۲۱).

واژهٔ عجایب ۴ بار در عهد جدید به کار رفته است. غالب معانی که برای آن به کار رفته است، بدین شرح است: معجزه‌های خلقی و ایجادی و با خرق عادت توسط حضرت عیسی (ﷺ). همانند: «اما رؤسای کهنه و کاتبان چون عجایبی که از او صادر می گشت و کودکان را که در هیکل فریاد برآورده، «هوشیاعانا پسر داودا» می گفتند دیدند، غضبناک گشته» (متی: ۱۵: ۲۱). به معنای نشانه‌های عجیبی که منشأ آن‌ها از آسمان است. همانند: «و از بالا در افلاک عجایب و از پایین در زمین، آیات را از خون و آتش و بخار دود به ظهور آورم» (رسولان: ۱۹: ۲). همچنین به معنای معجزه‌های خلقی و ایجادی همراه با خرق عادت که توسط غیر پیامبران (منحرفان) به وجود می آیند. همانند: «که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ» (دوم تسالونیکیان: ۹: ۲).

از بررسی حوزه معنایی معجزه در عهد جدید می توان نتیجه گرفت: تمامی مخلوقات خداوند متعال، جزء عجایب هستند. در این بین هیچ فرقی میان معجزات و غیر از آن‌ها نیست. در عهد جدید فاعل معجزات را شخص انجام دهنده‌ی آن معرفی می کند، ولی هدف از آن‌ها را ایمان آوردن به خداوند می داند. معجزات، در فرهنگ مسیحیت دارای عنصر تعجیزی نیستند و اغلب حالت تبشیری و مثبت هستند. همچنین این معجزات هنوز هم ادامه دارند و حتی توسط غیر مومنان هم انجام می گیرند.

در نتیجه مواردی که از تحلیل پارامترهای حوزه معنایی معجزه در عهدین بدست می آید بدین شرح است: ۱- کاری که از علم الهی نشأت بگیرد. ۲- توسط برخی از انبیاء به فعلیت در آید (گاهی با خرق عادت و گاهی بدون آن). ۳- در همه آن‌ها انسان را به تعجب می دارد (زیرا انسان از نحوه به وجود آمدن آن‌ها بی اطلاع است). ۴- همراه با نصرت الهی و پیروزی بر دشمنان گردد. ۵- موجب جلب اعتماد و اطمینان مردم به

ارتباط پیامبر با خدا گردد.

۵- تفاوت معجزه از دیدگاه مسلمانان، یهودیان با مسیحیان

مسلمانان و علمای یهود در معنا و مفهوم معجزه باوری مشترک دارند و معجزه را عملی خارق العاده می‌دانند که پیامبر با انجام دادن آن، صدق گفتارش را اثبات می‌کند و مردم از آوردن آن ناتوانند و آن دلیل و شاهدهی است بر قدرت خداوند، به جز شرط علمای یهود که معتقدند معجزه باید در زمان ادعای نبوت باشد و قران این شرط را قبول ندارد، زیرا از دیدگاه قرآن، هرگاه کسی برای مقام نبوت برگزیده شود، او تا آخر عمرش نبی است و از خطا و گناه مصون است و خداوند معجزه را در اختیار هیچ کس دیگری قرار نمی‌دهد.

در مسیحیت معجزه، مکاشفه‌ای مخصوص از حضور و قدرت خداوند و اثبات‌کننده وجود و علاقه و محبت او نسبت به بندگان است. معجزات مسیح بر مبنای اظهار محبت بوده، نه این که می‌خواستند عجز مردم را از آوردن نظیر آن نشان دهد، بلکه معجزاتش لطف و محبت بی‌پایان خداست تا دیگران را توانا سازد که به عیسی مسیح ایمان آورند (مرقس ۳۴: ۵۵-۲۵)، از این رو «فریسیان» که خواستار معجزه بودند، ولی نمی‌خواستند به او ایمان آورند، عیسی معجزه‌ای به آنها نشان نداد و گفت: فقط مردم بدکار و بی ایمان طالب معجزات... هستند (متی ۱۲: ۳۹) البته در عهد جدید در برخی از موارد نیز آمده است که مسیح برای اثبات گفتارش مبنی بر این که او توانایی بخشیدن گناه بشر را دارد، معجزه انجام داد و افلیجی را شفا داد (مرقس ۱۲: ۱۲-۸). مثلاً زمانی که از آیات موسی (ﷺ) یاد شده، نوشته شده: «آیات را در زمین مصر ظاهر کرد». از این بند و بند «و از بالا در افلاک، عجایب و از پایین در زمین، آیات را به ظهور آورم» (رسولان: ۱۹: ۲) می‌توان نتیجه گرفت که منظور از عجایب، نشانه‌های آسمانی و منظور از آیات، نشانه‌های زمینی است. در نهایت آیات را همراه کسانی می‌داند که ایمان آورده و هدف از آن را ثابت کردن کلام معرفی می‌کند، همانند: «و ایشان بیرون رفته، در هر جا موعظه می‌کردند و خداوند با ایشان کار می‌کرد و به آیاتی که همراه ایشان می‌بود، کلام را ثابت می‌گردانید» (مرقس: ۲۰: ۱۶).

در عهدین همه پیامبران، برای اثبات صدق رسالت خود معجزه نیاورده‌اند، چراکه رسالت فقط از طریق معجزه ثابت نمی‌شود. در بند ۴۱ باب ۱۰ انجیل یوحنا آمده که یوحنا یک آیت هم برای مردم نیاورد. با آن که مطابق بند ۹ باب ۱۱ انجیل متی و بند ۲۶ باب ۷ انجیل لوقا مسیح (ﷺ) گفته است: یوحنا پیامبر و بزرگتر از پیامبر است و مطابق بند ۲۸ باب ۷ انجیل لوقا: در بین مردم پیامبری بزرگتر از او نیست و تمامی قبایل بنی اسرائیل به استثنای کسانی که به نام دین از دنیا ارتزاق می‌کنند اطمینان

داشتند که وی پیامبر است.

۶- مقایسه تطبیقی جانشین‌های معجزه در کتاب‌های آسمانی

در کتاب‌های آسمانی، نه فقط برای مفهوم معجزه، بلکه برای مفاهیم و مضامینی دیگر نیز از الفاظ «آیه: آیات، بینه: بینات، برهان: برهانان، سلطان مبین، عجیب: عجایب و قوت: قوآت» استفاده شده است.

الفاظ آیت و قوت و عجیب تفاوت‌های مبنایی با یکدیگر دارند. همان‌گونه که علمای بلاغت می‌گویند هیچ دو کلمه‌ی مترادفی کاملاً با هم برابر نیستند، در کتاب‌های عهدین نیز مشاهده می‌شود که در برخی موارد این سه کلمه و در جاهای دیگر دو لفظ از آن‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته است. در دو بند از عهد قدیم آمده است: «من مصلحت دانستم که آیات و عجایی را که خدای تعالی به من نموده است بیان نمایم» (دانیال: ۴: ۲) و «اوست که نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و عجایب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است» (دانیال: ۶: ۲۸). در سه بند از عهد جدید نیز آمده است: «و از بالا در افلاک عجایب و از پایین در زمین، آیات را از خون و آتش و بخار دود به ظهور آورم» (رسولان: ۱۹: ۲)، «آن‌گاه آن بی دین، ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند، او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ» (دوم تسالونیکیان: ۲: ۸-۹) و «ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید. عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوآت و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنان که خود می‌دانید (رسولان: ۲۲: ۲).

منظور از آیه در قرآن نیز تمامی مخلوقات آفاقی و انفسی خداوند هستند که برای بازگو نمودن ذوالآیه به‌وجود آمده‌اند و معجزات نیز جزئی از آن‌ها می‌باشند. از طرفی برهان؛ معجزاتی هستند که در مقام احتجاج با مخاطبانی که ادعای هم‌آوردی دارند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند و فقط «قرآن، عصاء و ید بیضاء» این ویژگی‌ها را دارند. «بینات» نیز عبارتند از؛ ارائه دلیلی معتبری، برای اثبات حقیقتی که شخص پیامبر در برابر منکران آن حقیقت مدعی آن است. با فرض این که آن حقیقت برای مخاطبان مجهول و شبهه‌ناک بوده و بعد از ارائه بینه، به گونه‌ای افاده علم و یقین نماید که حجت را بر مخاطبان تمام کند. از این‌روی تمامی معجزات خارق‌العاده و غیر آن و همچنین بیانات و استدلال‌های پیامبران و تمامی کارهایی که موجب ایمان آوردن مردم شده است را بینه می‌گویند.

در برخی از آیات قرآن، کلمات آیه، بینه، برهان و سلطان به‌گونه‌ای با یکدیگر هم‌نشین

شده‌اند که از این هم‌نشینی می‌توان تفاوت آن‌ها با هم و یا میزان شمول معنایی آن‌ها را بدست آورد. در برخی از آیات، کلمه آیات با سلطان هم‌نشین شده است: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (هود/ ۹۶). شیخ طوسی در تفاوت این دو عبارت می‌نویسد: گرچه هر دو لفظ به معنای حجت هستند؛ اما سلطان عطف به آیات شده و این به‌خاطر اختلاف این دو واژه با یکدیگر است (شیخ طوسی، بی‌تا: ۵۸/ ۶). البته ایشان در بیان مراد آن‌ها، هیچ‌گونه اشاره‌ای به سلطان مبین نکرده و لذا معتقد است: آیه به حجتی گفته می‌شود که از جهت اعتبار مدنظر است؛ لکن سلطان به حجتی گفته می‌شود که از جهت قدرت بسیار برای غلبه بر باطل مدنظر است (شیخ طوسی، همان). طبرسی نیز به تبعیت از شیخ طوسی دارای چنین دیدگاهی است (طبرسی، ۱۳۶۳: ۵/ ۲۹۰). در این آیه نه معجزه حضرت موسی (علیه السلام) را «آیاتنا» می‌نامد. از طرفی می‌دانیم که قرآن، معجزات «عصا و ید بیضاء» را «برهانان» می‌نامد. ولی در آیه: ﴿اسْأَلْكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ يَدًا مِّنْ غَيْرِ سَوْءٍ وَأَضْمَمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَنِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ... قَالَ سَسْأَلُكَ عُصْدَكَ بِأَخِيكَ وَبَجْعَلُ لَكُمْ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمْ بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمْ الْعَالُونَ﴾ (غافر/ ۳۲-۳۵). می‌بینیم که همان دو معجزه را نیز «آیاتنا» معرفی می‌کند.

در رابطه با استعمال کلمات قوت و عجب در قرآن کریم در حوزه معنایی معجزه باید متذکر شد در قرآن کریم در مورد بنی اسرائیل نیز در چند آیه از لفظ قوت استفاده می‌کند. آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۶۳). در این آیه به بنی اسرائیل می‌گوید توراتی را که بعد از میقات به موسی (علیه السلام) داده شده است، با قوت بگیرند. البته این ماجرا هم‌زمان با برکندن کوه طور و بالا نگه داشتن آن بر سر بنی اسرائیل است که این ماجرا نیز از معجزات است.

در آیه می ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ (کهف/ ۹)، خداوند می‌فرماید: نشانه‌های ما «آیاتنا» در ماجرای کهف و رقیم که از امور خارق‌العاده می‌باشند، زیاد شگفت‌انگیز نیستند، بلکه در امور الهی و خدایی چیزهایی هست که عظیم‌تر و تعجب‌آورتر از آن است. در آیه ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخَانٌ هَذَا لَشَيْءٍ عَجِيبٌ﴾ (هود/ ۷۲) نیز همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام) که با توجه به سن زیاد خود و همسرش سخت از دارا شدن فرزند مایوس و نومید بود، با لحن بسیار تعجب آمیزی «فریاد کشید که ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیرزنم و شوهرم نیز پیر است، این مسأله بسیار عجیبی است.» همچنین در آیه ﴿قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ (جن/ ۱)، در آیه «فَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ

تَعْبُورِ) (نجم / ۵۹) نیز قرآن را مایهٔ تعجب انسان‌ها می‌داند.

نتیجه

کلمهٔ معجزه هیچ‌گونه استعملی در قرآن نداشته است و لذا اصطلاحی است برآمده از اندیشهٔ اعجاز قرآن که توسط علمای معتزله برای مباحث کلامی وضع شده است. کلمهٔ آیه تقریباً با حوزهٔ معنایی مشترک در تمامی کتب آسمانی به کار رفته است؛ اما کلمهٔ قوت فقط در عهد جدید در حوزهٔ معنایی معجزه استعمال شده است و در عهد قدیم چنین معنای مصطلحی استفاده نمی‌شود؛ اما کلمهٔ عجیب در عهد قدیم و عهد جدید در حوزهٔ معنایی معجزه به کار رفته است.

از تحلیل حوزهٔ معنایی معجزه در قرآن و عهدین، می‌توان شبکهٔ معنایی آن را بدین صورت ترسیم نمود.

به شیوه‌های مختلفی مانند ارتباط اشراقی و اندراجی، می‌توان معنای واژهٔ معجزه و روابط مفهومی آن را تبیین کرد، ارتباط اشراقی آن، حاکی از ارتباط مفهوم کانونی با سایر مفاهیم پیرامونی است که در مورد این واژه، مفهوم کانونی نشانه و علامت است. در ارتباط اندراجی، رابطه‌ای از نوع سلسله مراتب، وجود دارد که در آن برخی از مفاهیم در ذیل مفهومی دیگر قرار می‌گیرد و بعد یا ابعادی از آن را تشکیل می‌دهد، تحلیل مفهوم معجزه نشان می‌دهد که کلمات جانشین معجزه در قرآن: «آیه، بینه، برهان و سلطان مبین» و در عهدین: «آیت، عجیب و قوت» می‌باشند. از این روی تمامی مخلوقات خداوند، نشانه‌ای جهت پی بردن به او و ایمان به دین الهی هستند. پیامبران نیز برای نیل به این هدف که انسان‌ها همواره در آن اختلاف داشته‌اند، مبعوث شدند. لذا تمامی نشانه‌هایی که در جهان وجود دارد و انسان می‌تواند با تفکر در آن‌ها به این هدف برسد، آیه نامیده می‌شوند و از این حیث که انسان علت خلق آن‌ها را نمی‌داند عجیب هستند؛ اما هرگونه دلیل معتبری که توسط پیامبران برای از بین بردن مجهولات ذهنی انسان‌ها استفاده شده است بینه نامیده می‌شود (چه خارق‌العاده و چه غیر آن)، در این بین اگر به هم‌آوردی و احتجاج نیاز باشد برهان آورده می‌شود. نهایت اگر برای افرادی همه آیات، «بینات» و «براهین» آورده شود و باز هم ایمان نیاورند سلطان مبین نازل شده و منکران را از بین می‌برد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۳۹۰ش): «السرائر»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه.
۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۹۸م): «جمهرة اللغة»، به کوشش رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق): «معجم مقاییس اللغة»، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق): «تهذیب اللغة»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. الؤسی، سید محمود (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، به کوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۶۱ش): «خدا و انسان در قرآن»، ترجمه احمد آرام، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی و زبان شناختی.
۸. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۹۴ش): «مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن»، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۹. بلاغی، محمدجواد (۱۴۰۵ق): «الهدی الی دین المصطفی»، ترجمه سید احمد صفاپی، قم: دارالکتب الاسلامیه، انتشارات آفاق.
۱۰. ترجمه کتاب مقدس شامل (۱۹۹۵م): «عهد قدیم و عهد جدید»، انگلستان: انجمن بین المللی کتاب مقدس.
۱۱. جلاله زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۹ق): «اساس البلاغه»، بیروت: دار صادر.
۱۲. جفری، آرتور (۱۳۷۲ش): «واژه‌های دخیل در قرآن»، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۴ش): «مستند العروة»، قم: منشورات مدرسه دارالعلم.
۱۴. دسترنج، فاطمه؛ دهقانی، محمد (۱۳۹۸ش): «تاریخ‌گذاری روایات معجزه»، طرح پژوهشی، دانشگاه اراک.
۱۵. دسترنج، فاطمه؛ دهقانی، محمد (۲۰۱۹م): «معناشناسی آیه در قرآن در پرتو روابط همنشینی و جانشینی»، مجله بین المللی چند فرهنگی و درک چند دینی.
۱۶. دسترنج، فاطمه؛ طیبی، علیرضا؛ دهقانی، محمد (۱۳۹۹ش): «تاریخ‌گذاری روایات معجزه براساس روش تحلیل متن و اسناد»، قم: مجله علوم حدیث، سال بیست و پنجم، شماره دوم.
۱۷. دسترنج، فاطمه؛ طیبی، علیرضا؛ دهقانی، محمد (۱۳۹۸ش): «نقد و بررسی تعاریف مسلمانان از معجزه»، تهران: همایش اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. دسترنج، فاطمه؛ احسانی، کیوان؛ دهقانی، محمد؛ کوهرو، افسانه (۱۴۰۰ش): «معناشناسی سلطان در قرآن با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان، شماره ۲۹.
۱۹. دسترنج، فاطمه؛ طیبی، علیرضا؛ دهقانی، محمد؛ کوهرو، افسانه (۱۳۹۹ش): «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف در مورد واژه بینه بر رویکرد معناشناسی ایزوتسو»، مجله مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، دوره ۴، شماره ۸.
۲۰. دسترنج، فاطمه؛ طیبی، علیرضا؛ دهقانی، محمد؛ ناصح، احمد علی (۱۴۰۰ش): «بررسی فقه‌الحدیثی احادیث حاوی کلمه معجزه»، مطالعات فهم حدیث، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۵، پاییز و زمستان.
۲۱. دسترنج، فاطمه؛ طیبی، علیرضا؛ دهقانی، محمد؛ کوهرو، افسانه (۱۴۰۰ش): «بررسی سندی احادیث حاوی کلمه معجزه بر رویکرد تاریخی»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت.
۲۲. دهقانی، محمد (۱۳۹۷ش)، «بررسی حوزه معنایی معجزه در قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فاطمه دسترنج، رشته علوم قرآن و حدیث، اراک دانشگاه اراک دانشکده علوم انسانی.
۲۳. دهقانی، محمد؛ کوهرو، افسانه (۱۳۹۸ش): «بررسی نظریه اعجاز الخطی قرآن کریم»، تهران: همایش اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش): «معجم مفردات الفاظ القرآن»، به کوشش ندیم مرعشی، قم: اسماعیلیان.

۲۵. رامیار، محمود (۱۳۶۹ش): «تاریخ قرآن»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق): «تاج العروس من جواهر القاموس»، به کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۹ق): «ساسة البلاغة»، به کوشش عبدالرحیم محمود، بیروت: دار صادر.
۲۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۹۲ش): «الاتقان فی علوم القرآن»، ترجمه سید محمود طیب حسینی، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.
۲۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بمقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و به کوشش احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق): «ما وراء الفقه»، بیروت: دارالاضواء.
۳۱. صفوی، کورش (۱۳۸۷ش): «درآمدی بر معنی شناسی»، تهران: سوره مهر.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۳ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، به کوشش و تعلیقه هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۳۴. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرین»، به کوشش احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۳۵. ابوهال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۱۲ق): «معجم فروق اللغویه»، به کوشش جامعه مدرسین، قم: جامعه مدرسین.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷ش): «العین»، به کوشش مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم: دارالهجره.
۳۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۶ش): «بصائر ذوی التمییز فی الطائف الکتاب العزیز»، به کوشش محمد علی نجار، قاهره: وزارت اوقاف.
۳۸. قدران قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۹ش): «معجزه در قلمرو عقل و دین»، قم: بوستان کتاب.
۳۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۴۰. گروهی از نویسندگان فرانسوی (۱۹۸۶م): «معجم اللاهوت الکتابی»، گروه مترجمان عرب زبان، بیروت: دارالمشرق، چاپ دوم.
۴۱. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۲ش): «القواعد الفقهیه»، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار.
۴۲. ماسون، دنیز (۱۳۸۵ش): «قرآن و کتاب مقدس درون مایه های مشترک»، ترجمه فاطمه سادات تهمانی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی.
۴۳. محمدی، عبدالحکیم (۱۳۸۵ش): «بررسی تطبیقی معجزه در اندیشه های اسلامی و غربی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته فقه و معارف اسلامی، قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۴۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۳۸۰ش): «القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد»، قم: کتابخانه مرعشی.
۴۵. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی (۱۳۹۱ش)، «فرهنگ جامع زبان عربی»، قاموس النور، قم.
۴۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش): «التحقیق فی کلمات القرآن»، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۷. هاکس، جیمز (۱۳۹۴ش): «قاموس کتاب مقدس»، تهران: نشر اساطیر.

References

The Holy Quran

1. Ibn Idris Helli, Mohammad Ibn Ahmad (2011): "Al-Sarair", Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary.
2. Ibn Doraid, Muhammad ibn Hassan (1998): "Jamharat Al-loqah", by Ramzi Munir Baalbaki, Beirut: Dar al-Alam for the Muslims.
3. Ibn Faris, Ahmad (1984): "Moajam Maqayis Al-loqah", Qom: Islamic Media Library.
4. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1994): "Lesan Al-arab", Beirut: Dar Sader.
5. Azhari, Muhammad ibn Ahmad (2000): "Tahzib al-loqah", Beirut: Darahiyah al-Tarath al-Arabi.
6. Alusi, Sayyid Mahmud (1995): "Roh Al-maani fi Tafsir Al-Quran Al-azim", by Ali Abdul Bari Atiyah, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
7. Izutsu, Toshi Heiko (1982): "God and Man in the Qur'an", translated by Ahmad Aram, Tehran: Cultural and Linguistic Research Institute.
8. Izutsu, Toshi Hako (2015): "Ethical-religious concepts in the Qur'an", translated by Fereydoun Badrahai, Tehran: Farzan Rooz Publishing and Research.
9. Balaghi, Mohammad Javad (1985): "Guidance to the religion of Mustafa", translated by Sayyid Ahmad Safaei, Qom: Islamic Library, Afaq Publications.
10. Bible Translation Included (1995): The Old Testament and the New Testament, England: International Bible Society.
11. Jarallah Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar (2020): "The basis of rhetoric", Beirut: Dar Sader.
12. Jeffrey, Arthur (1993): "Words involved in the Qur'an", translated by Fereydoun Badrahai, Tehran: Toos.
13. Khoei, Seyyed Abolghasem (1985): "Documentary of Orwa", Qom: Dar Al-Alam School Publications.
14. Dastranj, Fatima; Dehghani, Mohammad (2019): "History of Miracle Narrations", Research Project, Arak University.
15. Dastranj, Fatima; Dehghani, Mohammad (2019): "The semantics of verse in the Qur'an in the light of companionship and succession relations", International Journal of Multiculturalism and Multicultural Understanding.
16. Dastranj, Fatima; Tabibi, Alireza; Dehghani, Mohammad (2016): "Dating Miracle Narrations Based on the Method of Text and Document Analysis", Qom, Journal of Hadith Sciences, 25th year, second issue.
17. Dastranj, Fatima; Tabibi, Alireza; Dehghani, Mohammad (2019): "Critique and review of Muslims' definitions of miracles", Tehran: Conference on the Miracle of the Holy Quran, Shahid Beheshti University.
18. Dastranj, Fatima; Ehsani, Saturn; Dehghani, Mohammad; Koothro, Afsaneh (2021): "The Semantics of the Sultan in the Qur'an with Emphasis on the Relations of Companionship and Succession", Journal of Quran and Hadith, Autumn and Winter, No. 29.
19. Dastranj, Fatima; Tabibi, Alireza; Dehghani, Mohammad, Koothro, Afsaneh (1399): "Comparative study of different perspectives on the word Biyneh with the semantic approach of Izutsu", Journal of Comparative Studies of Quranic Studies, Volume 4, Number 8.
20. Dastranj, Fatima; Tabibi, Alireza; Dehghani, Mohammad; Naseh, Ahmad Ali (2021): "Study of Hadith Jurisprudence Hadiths containing the word miracle", Studies of Hadith Understanding, eighth year, first issue, 15 consecutive, autumn and winter.
21. Dastranj, Fatima; Tabibi, Alireza; Dehghani, Mohammad, Koothro, Afsaneh (2012): "A Study of the Document of Hadiths Containing the Word of Miracle with a Historical Approach", a bi-monthly specialized journal of modern research in the teachings of the Qur'an and Sunnah.

22. Dehghani, Mohammad (2015), "Study of the semantic field of miracles in the Qur'an", Master Thesis under the guidance of Dr. Fatemeh Daŝaranj, Department of Quran and Hadith, Arak, Arak University, Faculty of Humanities.
23. Dehghani, Mohammad, Koothroo, Afsaneh (2019): "Study of the Theory of Calligraphy of the Holy Quran", Tehran: Conference on the Miracle of the Holy Quran, Shahid Beheshti University.
24. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1995): "Dictionary of the words of the Qur'an", by Nadim Marashi, Qom: Ismailis.
25. Ramiyar, Mahmoud (1990): "History of the Quran", Tehran: Amirkabir Publications.
26. Zubaydi, Muhammad ibn Muhammad (1994): "The crown of the bride from the jewel of the dictionary", by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr.
27. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar (2020): "The Basis of Rhetoric", by the efforts of Abdul Rahima Mahmoud, Beirut: Dar Sader.
28. Siouti, Jalaluddin Abdul Rahman Ibn Abi Bakr (2013): "Al-Atqan Fi Uloom Al-Quran", translated by Seyyed Mahmoud Tayeb Hosseini, Qom: Publications of the Faculty of Principles of Religion.
29. Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (no date): "Explanation in the interpretation of the Qur'an", with the introduction of Sheikh Aghabzorg Tehrani and the efforts of Ahmad Qusair Ameli, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
30. Sadr, Sayyid Muhammad (2021): "Beyond jurisprudence", Beirut: Dar al-Azwa.
31. Safavid, Kourosh (2008): "An Introduction to Semantics", Tehran: Surah Mehr.
32. Tabatabai, Mohammad Hussein (1997): "Balance in the interpretation of the Qur'an", Qom: Islamic Publications Office of the seminary teachers.
33. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1984): "Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an", by the effort and commentary of Hashem Rasooli Mahallati, Tehran: Islamic Scientific Library.
34. Tarihi, Fakhreddin Ibn Mohammad (1996): "Bahrain Complex", by Ahmad Hosseini Eshkori, Tehran: Mortazavi.
35. Abu Hilal Askari, Hassan Ibn Abdullah (1992): "Dictionary of Linguistics", by the efforts of the Society of Teachers, Qom: Society of Teachers.
36. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1988): "Al-Ain", by the efforts of Mehdi Al-Makhzoumi and Ibrahim Al-Samarai, Qom: Dar al-Hijra.
37. Firouzabadi, Mohammad Ibn Ya'qub (1997): "Basair Dhu'i Al-Tamiz in Al-Taif Al-Kitab Al-Aziz", by Mohammad Ali Najjar, Cairo: Ministry of Endowments.
38. Ghadrdan Gharamaleki, Mohammad Hassan (2010): "Miracle in the realm of reason and religion", Qom: Book Garden.
39. Ghorashi, Ali Akbar (1992): "Quran Dictionary", Tehran: Islamic Library.
40. A group of French writers (1986): "Dictionary of theology", Arabic translators, Beirut: Dar al-Mashreq, second edition.
41. Fazel Lankarani, Mohammad (2013): "Rules of Jurisprudence", Qom: Center of Fiqh of the Imams.
42. Mason, Deniz (2006): "The Qur'an and the Bible in Common Themes", translated by Fatemeh Sadat Tahami, Tehran: Suhrawardi Research and Publishing Office.
43. Mohammadi, Abdul Hakim (2006): "Comparative study of miracles in Islamic and Western thought", Master Thesis, Field of Islamic Jurisprudence and Education, Qom, Mustafa International University, Faculty of Theology and Islamic Studies.
44. Marashi Najafi, Sayyid Shahabauddin (2001): Al-ejtihad wa Taqlid», Qom: Marashi Library.
45. Computer Research Center for Humanities (2012), "Comprehensive Dictionary of Arabic Language", Dictionary of Light 2, Qom.
46. Mustafawi, Hassan (1981): "Research in the words of the Qur'an", Tehran: Book Translation and Publishing Company.
47. Hawks, James (2015): "Dictionary of the Bible", Tehran: Asatir Publishing